

می شود؛ آن هم موضوعی که در شکل گیری خود از عوامل متعددی چون دانش ها، وضعیت های مناسبی و تعامل با پدیده های دیگر بهره برده و پیچیدگی خاصی پیدا کرده است. نظریه تنويع اجتهاد افزون بر دیدگاه حضرت امام (ره)، پیشنهاد می کند که ما باید اجتهاد را از حیث روشی در یک وضع بازسازی شده قرار دهیم تا توان استنباط حکم موضوعات متحول و پیچیده را داشته باشد. در حقیقت می توان گفت؛ اندیشه تنويع از دیدگاه اساسی حضرت امام (ره) تغذیه می کند.

آبای می شود گفت شأن نزول هر دو دیدگاه یکی است؛ به این معنا که خاستگاه هر دو تاسیس نظام اسلامی و نیاز جامعه به فقه حکومتی و اجتماع محور بوده است؟

وقتی بحث تنويع یا دخالت زمان و مکان پیش می آید، همه موضوعات در حال تحول را در بر می گیرد، چه موضوعاتی که واجد شأن حکومتی هستند و چه موضوعاتی که واجد چنین شأنی نیستند و استنباط آن ها مستلزم آشنایی نسبت به دخالت زمان و مکان و نوع این دخالت است. بنابراین دایره نظریه تنويع، اعم از موضوعات حکومتی و غیر حکومتی است.

جناب استاد اندیشه تنويع تا چه اندازه مورد توجه فضایی حوزه قرار گرفته است آیا دیگران هم به این موضوع پرداخته اند؟

فکر می کنم این ایده برای نخستین بار است که مطرح می شود ولی به دلیل آن که تصور ابعاد آن به سرعت زمینه تصدیق آن را فراهم می آورد، می تواند با طرح شدن در حوزه ها مورد توجه قرار گیرد. این نظریه هر چند نو و جدید است اما پایه های آن در فقه اسلام و به ویژه فقه شیعه وجود دارد.

قبول دارید که این نظریه بیشتر در فضای تقریب و فقه مقارن طرح شده و در این گفتمان قابل بحث و ارائه است؟

نه، این دوربطی به هم ندارد. البته یکی از موارد تنويع، تنويع به اجتهاد های مقارن یا معطوف به مطالعات به صورت مقارن است،

اما تنويع های مطرح شده اختصاص به فقه مقارن ندارد و در هر مذهبی قابل ارائه است؛ مانند تنويع اجتهاد به حسب متعلق که توضیح داده شد.

تنويع اجتهاد از چند پیش فرض تغذیه می کند. نخست این که اجتهاد به دو دلیل تنويع پذیر است: اول آن که اجتهاد ثبوتی می تواند نوع نوع شود و امر محالی نیست. دوم آن که به لحاظ اثباتی هم در گذشته اجتهاد از جهاتی تنويع شده است.

پیش فرض دوم ضرورت این تنويع است. زیرا اگر شما اجتهاد را تنويع نکنید، همواره باید از عناصری ثابت و بدون کم و زیاد شدن استفاده کنید که این امر قدرت استنباط نسبت به حوزه های مختلف را کاهش می دهد.

زیرا حوزه های مختلف وضعیت های خاصی دارند و عناصر ویژه خود را می طلبند. در گذشته رسم بر این بود که در باب عبادات کمتر به سراغ سیره عقلا می رفتند یا اصلا نمی رفتند اما در معاملات به آن مراجعه می کردند. پس منهج با توجه به متعلق تغییر می کند.

پیش فرض سوم این است که گزاره فقهی واجد دو عنصر است: موضوع و حکم و مادام که موضوع شناخته نشود، استنباط حکم، معقول نیست. چون شما می خواهید حکم موضوعی را که کم و کیف آن را می شناسید، استنباط کنید. حال اگر موضوع شناسی صورت نگیرد، استنباط روا نیست. البته موضوعات هم بر چند دسته اند؛ برخی عرفی هستند و برخی علمی و همگی در یک وضعیت قرار ندارند.

حضرت امام (ره) در دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی دیدگاه تأثیر زمان و مکان در اجتهاد را مطرح کردند، نسبت اندیشه تنويع اجتهاد با آن دیدگاه چیست؟ آیا این نظریه در راستای استمرار همان اندیشه است؟

ارتباط اندیشه تنويع اجتهاد با دیدگاه حضرت امام (ره) از این جهت است که وقتی از دخالت زمان و مکان در اجتهاد سخن می گوئیم، این دخالت در پدید آوردن و متحول کردن موضوعات انعکاس می یابد و از این منظر اجتهاد به سمت شناخت و تأثیر زمان و مکان بر موضوع به پیش می رود.

البته این اندیشه بنیادی یکی از پایه های تنويع اجتهاد را تشکیل می دهد؛ چون اگر تا این مرحله پیش رفتید که باید موضوع را شناخت، به دنبال آن چگونگی شناخت موضوع جدید مطرح

اگر اجتهاد را تنويع نکنید، همواره باید از عناصری ثابت و بدون کم و زیاد شدن استفاده کنید که این امر قدرت استنباط نسبت به حوزه های مختلف را کاهش می دهد. زیرا حوزه های مختلف عناصر ویژه خود را می طلبند

ارتباط اندیشه تنويع اجتهاد با دیدگاه حضرت امام (ره) از این جهت است که وقتی از نقش زمان و مکان در اجتهاد سخن می گوئیم، این نقش، در پدید آوردن و متحول کردن موضوعات انعکاس می یابد و از این منظر اجتهاد به سمت شناخت و تأثیر زمان و مکان بر موضوع به پیش می رود.

را برای پاسخگویی اجتهاد معطوف به یک حوزه و از جمله قانون گذاری فراروی آن، قرار می دهد.

آیا قبول دارید که اندیشه تنويع پذیر اجتهاد، معطوف به پذیرش موضوع شناسی به مثابه یک وظیفه فقهی است و چنانچه کسی شناخت موضوع را وظیفه فقه و فقیه نداند این نظریه برای او اهمیت زیادی نخواهد داشت؟

